

بررسی تطبیقی جایگاه و چگونگی ذکر صلوات بر پیامبر ﷺ در احادیث فریقین - علی اکبر کلانتری
فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال دوازدهم، شماره ۴۵ «ویژه حدیث»، زمستان ۱۳۹۳، ص ۵۹ - ۸۰

بررسی تطبیقی جایگاه و چگونگی ذکر صلوات بر پیامبر ﷺ در احادیث فریقین

علی اکبر کلانتری *

چکیده: درود فرستادن بر پیامبر ﷺ و خاندان او علیهم السلام، از ذکرهای مهم و پراستعمالی است که در امت اسلامی، جایگاهی رفیع و بی‌بدیل دارد.

این ذکر، در روایات اهل سنت، با عبارتهای گوناگون و عمدتاً به چهار صورت نقل شده که یکی از این صورتها، مشهورتر و به نظر آنان از اعتبار بیشتری برخوردار است، ولی دامنه این اختلاف در میان شیعه کمتر است و به هر حال می‌توان با بررسی بیشتر در این زمینه و رفع برخی ابهامات، از این عامل به ظاهر اختلافی، در راستای وحدت جامعه اسلامی، بهره برد.

کلیدواژه‌ها: پیامبر ﷺ، آل پیامبر ﷺ، صلوات، اهل سنت، شیعه.

*. دانشیار دانشگاه شیراز.

از ذکرهای مهم در میان مسلمانان که برای آن فضیلت‌ها و پادشاهای فراوانی برشمرده‌اند، ذکر صلوات و درود بر پیامبر گرامی اسلام ﷺ و خاندان پاک او است. البته چنان که می‌دانیم تعبیر رایج در میان برادران اهل سنت برای ابراز این ذکر، بیشتر "صلی الله علیه و سلم" یا "اللهم صلّ علی محمد وسلّم" و در میان شیعه "اللهم صلّ علی محمد وآل محمد" یا "صلی الله علیه وآله وسلّم" می‌باشد.

در روایات اهل سنت، عبارتهای حاکی از ذکر صلوات، عمدتاً به چهار صورت نقل شده که البته یکی از این صورت‌ها، مشهورتر و از روایان بیشتر و اسناد بهتری برخوردار است، در حالی که دامنه اختلاف در میان شیعه پیرامون حکم و چگونگی ادای این ذکر، کمتر است.

البته از ویژگی‌های روایات شیعه آن است که بر الحاق آل پیامبر ﷺ به آن حضرت در ذکر صلوات تاکید می‌ورزد و به دیگر سخن، از صلوات ناقص و به تعبیر روایات، از صلوات مبتوره نهی می‌کند.

این مقاله با بهره‌گیری از روایات فریقین، نخست به بررسی جایگاه، حکم و چگونگی ذکر صلوات در منابع اهل سنت و سپس به بررسی جایگاه، حکم و چگونگی آن در منابع شیعه می‌پردازد و با طرح برخی مباحث مهم، توضیح خواهد داد که می‌توان با رفع برخی ابهامات و پاسخ به پاره‌ای از شبهات، از دامنه اختلاف کاست و این نقطه به ظاهر اختلافی را به عاملی وحدت ساز تبدیل نمود.

الف- اهل سنت و ذکر صلوات

۱- جایگاه

در منابع حدیثی اهل سنت به روایات فراوانی برمی‌خوریم که حاکی از اهمیت و جایگاه رفیع ذکر صلوات بر پیامبر گرامی اسلام ﷺ است. مصدر نخستین این

روایات، بیشتر خود پیامبر ﷺ و در پاره‌ای موارد، صحابه آن حضرت است. از قسم نخست است نمونه‌های ذیل:

- ابوهریره: ان رسول الله ﷺ قال: من صَلَّى عليّ واحدة صَلَّى الله عليه عَشْرًا. (مسلم، ج ۲، ص ۱۷، نسایی، ج ۳، ص ۵۰) "پیامبر خدا ﷺ فرمود: هرکس، یک بار بر من درود بفرستد، خداوند ده بار بر او درود بفرستد."

- عبدالله بن عامر، به نقل از پدر خود: انّ النبی ﷺ قال: ما من مسلم یصلّی علیّ الا صلّت علیه الملائكة ما صلّی علیّ، فلیقلّ العبد من ذلک او لیکثر. (ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۹۴) "پیامبر ﷺ فرمود: هیچ مسلمانی بر من درود نمی‌فرستد مگر اینکه تا وقتی او درود می‌فرستد، فرشتگان بر او درود می‌فرستند، حال این کار را کم انجام دهد یا زیاد."

- ابن عباس: ان رسول الله ﷺ قال: من نسی الصلاة علیّ خطیء طریق الجنة. (همان) "هرکس صلوات بر مرا فراموش کند (ترک نماید) راه بهشت را اشتباه رفته است."

- عبدالله بن مسعود: ان رسول الله ﷺ قال: اولی الناس بی یوم القیامه اکثرهم علیّ صلاة. (ترمذی، ج ۱، ص ۳۰۲) "رسول خدا ﷺ فرمود: سزاوارترین مردم نسبت به من در روز قیامت، کسانی‌اند که بر من درود بیشتر بفرستند."

- فضاله بن عبید انصاری: روزی پیامبر ﷺ مردی را دید که نماز به جای آورد، ولی خدا را حمد و ثنا نگفت و بر پیامبر ﷺ درود نفرستاد و رفت، حضرت فرمود: او عجله کرد، سپس وی را صدا کرده و به او و دیگران گفت: اذا صلّی احدکم فلیبدأ بتحمید ربه و الثناء علیه ثم لیصلّ علی النبی ﷺ ثم یدعو بما شاء. (حاکم نیشابوری، ج ۱، ص ۲۶۹) "هرگاه یکی از شما نماز گزارد، به حمد و ثنای پروردگارش آغاز کند، سپس بر من درود فرستد و پس از آن در هر مورد می‌خواهد دعا کند."

- ابوهریره: پیامبر ﷺ فرمود: هرکس بگوید: اللهم صلّ علی محمد و آل محمد كما صلّیت علی ابراهیم و آل ابراهیم وبارک علی محمد و آل محمد كما بارکت علی ابراهیم و آل ابراهیم وترحّم علی محمد و آل محمد كما ترحمت علی ابراهیم و آل ابراهیم، من روز قیامت به نفع او

شهادت داده وی را شفاعت می‌کنم. (بخاری، الادب المفرد، ص ۱۳۹)

واز قسم دوم است نمونه‌های ذیل:

- عمر بن خطاب: ان الدعاء موقوف بین السماء والارض ولا یصعد منه شیء حتی تصلی علی نبیک ﷺ. (ترمذی، ج ۱، ص ۳۰۳) "دعا، بین آسمان وزمین متوقف می‌ماند و چیزی از آن بالا نمی‌رود، تا اینکه بر پیامبرت ﷺ درود فرستی."

- شعبی: من لم یصل علی النبی ﷺ فی التشهد فلیعد صلاته. (بیهقی، ج ۲، ص ۲۷۹) "هر کس در تشهد، بر پیامبر ﷺ درود نفرستد، باید نمازش را اعاده کند."

- عبدالله بن مسعود: اذا صلیت علی رسول الله ﷺ فاحسنوا الصلاة علیه فانکم لا تدرن لعل ذلک یرعرض علیه. (ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۹۴) "هرگاه بر پیامبر خدا ﷺ درود می‌فرستید، این کار را به خوبی انجام دهید، شما نمی‌دانید شاید این عمل شما بر او عرضه شود."

۲- حکم

چنان که خواهیم دید، در مورد حکم فقهی صلوات بر پیامبر ﷺ در میان شیعه، اختلاف چندانی نیست، فقهای شیعه ذکر صلوات بر آن حضرت را در تشهد نماز، واجب و در غیر نماز هرگاه نام ایشان بر زبان جاری شود یا کسی نام آن حضرت را بشنود مستحب مؤکد می‌دانند. ولی دامنه اختلاف میان فقهای اهل سنت در این باب گسترده است.

ابن حجر عسقلانی، ذیل عنوان "باب الصلاة علی النبی ﷺ" می‌گوید: من در این زمینه به ده قول دست یافته‌ام:

۱- ابن جریر طبری، صلوات بر پیامبر ﷺ را مستحب دانسته و بر آن ادعای اجماع نموده.

۲- ابن قصار آن را به طور فی الجمله واجب دانسته، ولی گفته است یک بار گفتن آن کفایت می‌کند.

- ۳- ابوبکر رازی حنفی، ابن حزم و برخی دیگر گفته‌اند: در نماز و غیر نماز واجب است. به گفته قرطبی، در وجوب یک بار آن اختلافی نیست.
- ۴- به گفته شافعی و پیروان او، ذکر صلوات بین تشهد و سلام واجب است.
- ۵- از نظر شعبی و اسحاق بن راهویه، این ذکر در تشهد واجب است.
- ۶- به گفته ابو جعفر باقر، در نماز واجب است ولی محل معینی ندارد.
- ۷- بنا بر دیدگاه ابوبکر بن بکیر مالکی، واجب است این ذکر فراوان گفته شود، ولی عدد آن معین نیست.
- ۸- طحاوی، گروهی از حنفی‌ها، حلیمی و دسته‌ای از شافعی‌ها، گفته‌اند، هرگاه نام حضرت برده شود، این ذکر واجب است. ابن عربی مالکی و همچنین زمخشری این قول را احوط دانسته‌اند.
- ۹- براساس نقل زمخشری، برخی گفته‌اند این ذکر در هر مجلس یک بار واجب است هر چند نام حضرت تکرار شود.
- ۱۰- نیز براساس نقل وی، این ذکر در هر دعا واجب است. (عسقلانی، ج ۱۱، صص ۱۲۸-۱۲۹)
- ممکن است بتوان برخی از این اقوال را جمع نمود و قدری از دامنه اختلاف میان آنان کاست، چنان که صحت انتساب برخی از این اقوال به قائلان آنها قابل بررسی است، برای مثال، قول ششم که به امام باقر علیه السلام نسبت داده شده، باید با توجه به دیدگاه امامیه بررسی شود و اساساً نمی‌توان آن را از اقوال اهل سنت دانست، چنان که انتساب قول چهارم به ابن ادریس شافعی مشهور است و نباید در صحت آن تردید نمود.
- وی گفته است:

یا اهل بیت رسول الله حیکم
فکفکم من عظیم القدر انکم
فرض من الله فی القرآن انزله
من لا یصلی علیکم لا صلاة له

«ای خاندان پیامبر خدا! دوست داشتن شما، از سوی خدا واجب شده، این را در قرآن فرو فرستاده است. در عظمت قدر و منزلت شما همین بس که هرکس (در نماز خود)

بر شما درود نفرستد، نمازی برای او نیست." (نک: زندی، ص ۱۸، ابن بطریق، ص ۲۰، قاضی نعمان مغربی، ج ۲، ص ۴۸۹، بکری دمیاطی، ج ۱، ص ۴۸۹)

چنان که به احتمال زیاد، مورد قول نخست و برخی اقوال دیگر، غیر نماز است، بر این مبنا که همه ایشان این ذکر را در نماز و هنگام تشهد واجب می‌دانند، سخن زیر از عسقلانی نیز می‌تواند اشاره به همین امر باشد:

لم أر عن احد من الصحابه و التابعين التصريح بعدم الوجوب. (عسقلانی، ج ۱۱، ص ۱۴۱) "ندیدم هیچ یک از صحابه و تابعین، تصریح به عدم وجوب کرده باشند."

چگونگی

در مورد صورت و چگونگی ذکر صلوات نیز در روایات اهل سنت، اختلافاتی به چشم می‌خورد. می‌توان با تکیه بر این روایات و البته با صرف نظر از برخی تفاوت‌های جزئی در عبارات‌های آنها، از چهار صورت ذیل یاد کرد:

صورت نخست:

اللهم صلّ علی محمد وعلی آل محمد كما صلّیت علی ابراهیم وبارک علی محمد كما بارکت علی آل ابراهیم فی العالمین انک حمیدمجید.

این عبارت یا عبارات‌های نزدیک به آن را بسیاری از محدثان اهل سنت گزارش کرده‌اند.

احمد بن حنبل، با سند خود از ابن مسعود انصاری نقل می‌کند که وی گفت: در مجلس سعد بن عباده بودیم که رسول خدا ﷺ وارد شد. در آن مجلس، بشیر بن سعد به حضرت عرض کرد: خداوند به ما دستور داده به شما درود بفرستیم، چگونه درود بفرستیم؟ پیامبر ﷺ سکوت اختیار کرد به گونه‌ای که پنداشتیم که از پاسخ دادن کراهت دارد، ولی سپس فرمود: بگویید: اللهم صلّ علی محمد وعلی آل محمد كما صلّیت... (ابن حنبل، ج ۵، ص ۲۷۴، نیز نک: مسلم، ج ۲، ص ۱۶، ابو داود، ج ۱، ص ۲۲۲، ترمذی، ج ۵، ص ۳۸، نسایی، ج ۳، ص ۴۵، بیهقی، ج ۲، ص ۱۴۶)

نیز ابن حنبل با سند خود از ابی سعید خدری نقل می‌کند که وی گفت: به پیامبر ﷺ عرض کردیم: هذا السلام عليك قد علمناه فكيف الصلاة عليك؟ این نحوه سلام کردن بر شما، که آن را یاد گرفتیم، پس چگونه بر شما درود بفرستیم؟ حضرت فرمود: بگوئید: اللهم صلّ على محمد عبدك و رسولك كما صلّيت على ابراهيم و بارك على محمد و آل محمد كما باركت على ابراهيم و آل ابراهيم. (ابن حنبل، ج ۳، ص ۴۷، بخاری، ج ۶، ص ۲۷، ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۹۳، ابن ابی شیبیه کوفی، ج ۲، ص ۳۹۱)

اسماعیل بن اسحاق جهضمی مالکی (د ۲۸۲ق) در زمینه صدور این روایت، گزارش کاملی می‌دهد و می‌نویسد: لما نزلت هذه الآية: ان الله و ملائکته یصلّون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلّوا علیه و سلّموا تسلیما، قلنا یا رسول الله! قد علمنا السلام فكيف الصلاة؟ قال: قولوا: اللهم صلّ علی محمد وعلی آل محمد كما صلّيت علی ابراهيم و آل ابراهيم انک حمید مجید و بارک علی محمد و علی آل محمد كما بارکت و صلّیت علی ابراهيم و آل ابراهيم انک حمید مجید. (جهضمی، ص ۵۴)

"چون آیه "ان الله و ملائکته یصلّون علی النبی ..." (احزاب/۵۶) نازل شد (و ما براساس آن مامور شدیم بر پیامبر ﷺ سلام کنیم و صلوات فرستیم) عرض کردیم: ای پیامبر خدا! چگونه سلام کردن بر شما را فرا گرفتیم، نحوه صلوات فرستادن بر شما چگونه است؟ فرمود: بگوئید: اللهم صلّ علی محمد و علی آل محمد كما ...

روایات زیر نیز هر یک به نحوی، صورت نخست را گزارش می‌کنند:

دارمی، با سند خود از ابی لیلی نقل می‌کند که وی گفت: لقینی کعب بن عجره قال: الا اهدی الیک هدیة؟ ان رسول الله ﷺ خرج علينا فقلنا: قد علمنا کیف السلام عليك فكيف نصلّی عليك؟

کعب بن عجره با من ملاقات کرده، گفت: آیا هدیه‌ای به تو ندهم؟ (روزی) پیامبر خدا ﷺ به سوی ما آمد، به ایشان عرض کردیم: ما نحوه سلام کردن بر شما را آموختیم، چگونه بر شما درود فرستیم؟ فرمود: بگوئید: اللهم صلّ علی محمد و علی آل

محمد کما صلّیت علی ابراهیم انک حمید مجید، و بارک علی محمد و علی آل محمد کما بارکت علی ابراهیم انک حمید مجید. (دارمی، ج ۱، ص ۳۰۹، نیز نک: بخاری، ج ۷، ص ۱۵۶، مسلم، ج ۲، ص ۱۶، ابن ماجه،

ج ۱، ص ۲۹۳، نسایی، ج ۳، ص ۴۸، بیهقی، ج ۲، ص ۱۴۷)

نسایی ذیل عنوان "کیف الصلاة علی النبی ﷺ" با سند خود از موسی بن طلحه از پدرش نقل می‌کند که وی گفت: عرض کردیم: ای رسول خدا! چگونه بر شما درود فرستیم؟ فرمود: بگوئید: اللهم صلّ علی محمد و علی آل محمد کما صلّیت علی ابراهیم و آل ابراهیم انک حمید مجید، و بارک علی محمد و علی آل محمد کما بارکت علی ابراهیم و آل ابراهیم انک حمید مجید. (شافعی، ص ۴۲)

ابن ادريس شافعی با سند خود از ابوهریره نقل می‌کند که وی گفت: به رسول خدا ﷺ عرض کردیم: چگونه هنگام نماز بر شما درود فرستیم؟ فرمود بگوئید: اللهم صلّ علی محمد و آل محمد کما صلّیت علی ابراهیم و بارک علی محمد و آل محمد کما بارکت علی ابراهیم. (همان)^۱

۱. گفتنی است در عبارات‌های صورت نخست، تعبیری به کار رفته که تا حدودی قابل درنگ به نظر می‌رسد و آن عبارت "کما صلّیت علی ابراهیم" یا "کما بارکت علی ابراهیم" و مانند آن است. چه اینکه افضل و اشرف بودن پیامبرگرمای اسلام ﷺ نسبت به همه پیامبران ﷺ از جمله حضرت ابراهیم ﷺ اقتضا می‌کند تشبیه به عکس این باشد. عالمان اهل سنت به این اشکال پاسخ‌هایی داده‌اند از جمله:

- این که پیامبر ﷺ درخواست می‌کند "خداوند بر او درود فرستد همانگونه که بر ابراهیم ﷺ درود فرستاد" و تعبیرات مانند، آن مربوط به زمانی است که هنوز نمی‌دانست وی از همه پیامبران افضل و اشرف است.

- این درخواست پیامبر ﷺ برای امتش بود، نه برای خود و خاندانش.
- سخن با جمله "صلّ علی محمد" تمام شده و عبارت "و علی آل محمد" گزاره‌ای است جدید و جملات بعدی تنها مرتبط با همین گزاره می‌باشد و تقاضای همانندی با ابراهیم ﷺ و آل او صرفاً برای آل پیامبر ﷺ است.

- مورد تقاضا آن است که خداوند برای محمد ﷺ و آل او، همه آن مقدار صلوات و برکاتی را قرار دهد که برای ابراهیم ﷺ و آل او قرار داده زیرا منظور از آن، پیامبر همه پیروان او است و با این حساب همه پیامبران دیگر و پیروانشان، آل ابراهیم ﷺ خواهند بود در حالی که هیچ پیامبری در آل محمد ﷺ داخل نخواهد بود و بدین ترتیب مقدار صلوات و برکات در مشبه، کمتر از آن در مشبه به خواهد بود.

- این تشبیه از باب الحاق کامل به اکمل نیست، بلکه نوعی تقاضا به گونه اولویت محسوب می‌شود و معنای عبارت این است که صلوات و برکاتی که برای ابراهیم ﷺ و آل او در نظر گرفتی، آن را به طریق اولی، برای محمد ﷺ و آل او در نظر بگیر. (رکذ شرح صحیح مسلم،

ج ۴، ص ۱۲۵، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، ج ۸، ص ۴۱۰)

بدیهی است همه یا بیشتر این پاسخ‌ها، مورد اشکال و فاقد دلیل است. به نظر می‌رسد می‌توان با پرهیز از این تکلفات چنین پاسخ داد:

صورت دوم:

صورت دوم، عبارتی است که آن را احمد بن حنبل با سند خود از ابی حمید ساعدی نقل می‌کند. براساس این نقل، گروهی از صحابیان به پیامبر خدا ﷺ عرض کردند: چگونه بر شما درود فرستیم؟ حضرت فرمود بگوئید: اللهم صل علی محمد و ازواجه و ذریته کما صلیت علی آل ابراهیم وبارک علی محمد وازواجه و ذریته کما بارکت علی آل ابراهیم انک حمید مجید. (ابن حنبل، ج ۵، ص ۴۲۴، نیز نک: ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۹۳، ابوداود، ج ۱، ص ۲۲۲، بیهقی، ج ۲، ص ۱۵۱)

ابوداود نیز با سند خود از ابوهریره نقل می‌کند که وی گفت: پیامبر ﷺ فرمود: هرکس دوست دارد اعمالش با کامل‌ترین پیمانہ سنجش شود، هرگاه بر ما اهل بیت درود می‌فرستد، بگوید: اللهم صل علی محمد النبی و ازواجه امهات المومنین و ذریته و اهل بیته کما صلیت علی آل ابراهیم انک حمید مجید. (ابو داود، ج ۱، ص ۲۲۲، نیز نک: بیهقی، ج ۲، ص ۱۵۱، مبارکفوری، ج ۲، ص ۴۹۵)

همچنین عبدالرزاق صنعانی با سند خود از عمرو بن حزم و او از مردی از اصحاب پیامبر ﷺ (عن رجل من اصحاب محمد ﷺ) نقل می‌کند که پیامبر ﷺ می‌فرمود: اللهم صل علی محمد و علی اهل بیته و علی ازواجه و ذریته کما صلیت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم انک حمید مجید و بارک علی محمد و علی اهل بیته و ازواجه و ذریته کما بارکت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم انک حمید مجید. (ابن ابی شیبۀ کوفی، ج ۲، ص ۲۱۱)

لازم نیست همیشه مشبه به، نسبت به مشبه، اکمل و اشرف باشد زیرا گاه مشهور و معروف بودن آن برای الحاق و تشبیه کافی است هرچند به لحاظ رتبه و منزلت در درجه نازل‌تری نسبت به مشبه قرار گیرد. چنان که قرآن می‌فرماید: مثل نوره کمشکاة ... (نور/۳۵) و نیز در جاهای دیگر فرمود: کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم (بقره/۱۸۳) انا اوحینا الیک کما اوحینا الی نوح (نساء/۱۶۳) احسن کما احسن الله الیک (قصص/۷۷)

در مساله مورد بحث نیز آشنایی و پیشینه‌ی ذهنی اهل زبان نسبت به ابراهیم علیه السلام و امور مرتبط با آن حضرت، زمینه ساز و توجیه کننده این الحاق و تشبیه است هر چند به لحاظ مراتب و درجات، پایین تر از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد.

صورت سوم:

صورت سوم، عبارتی است که در یکی از نقل‌های ابن ماجه به چشم می‌خورد. در روایتی که این محدث باسند خود از عبدالله بن مسعود نقل می‌کند آمده است که وی گفت: هرگاه بر پیامبر خدا ﷺ درود می‌فرستید، این کار را به خوبی انجام دهید شما چه می‌دانید شاید این سخنان بر او عرضه شود. برخی به او گفتند: به ما یاد ده چگونه بر ایشان درود فرستیم، پاسخ داد بگویید:

اللهم اجعل صلاتک و رحمتک و برکاتک علی سید المرسلین و امام المتقین و خاتم النبیین، محمد عبدک و رسولک امام الخیر و قائد الخیر و رسول الرحمه. اللهم ابعثه مقاما محمودا یغبطه الاولون و الاخرون، اللهم صلّ علی محمد و علی آل محمد كما صلّیت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم انک حمید مجید. (ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۹۴)

صورت چهارم:

ابوداود با سند خود از ابومسعود انصاری نقل می‌کند که وی گفت: در مجلس سعد بن عباده بودیم که پیامبر ﷺ بر ما وارد شد، آن جا بشیر بن سعد پیامبر ﷺ را مخاطب ساخته عرض کرد: خداوند به ما فرمان داده بر شما درود فرستیم، چگونه درود فرستیم؟ حضرت لحظاتی سکوت کرد، سپس فرمود بگویید: اللهم صلّ علی محمد النبی الامی و علی آل محمد. (ابوداود، ج ۱، ص ۲۲۲)

بررسی

چنان که می‌بینیم، صورت اخیر، بخشی از صورت نخست است که نباید آن را گونه‌ای مستقل دانست، به خصوص این که راوی این حدیث یعنی ابومسعود انصاری همان راوی حدیث اول در صورت نخست است. تنها تفاوت میان این دو روایت، بلندی و کوتاهی ذکر صلوات در آنها است که این هم دلیل بر تعدد نیست.

در مورد صورت سوم نیز همان گونه که می‌بینیم، در حدیث مربوط به آن، عبارتی از پیامبر ﷺ نقل نشده است. آن چه در آن دیده می‌شود، جملاتی است از عبدالله بن

مسعود، و این می‌تواند برداشت و استنباط خود وی از ذکر صلوات باشد. برخی در سند این روایت نیز خرده‌گیری کرده‌اند، از جمله هیثمی که در ذیل این روایت نوشته است:

رجالہ ثقات الا انّ المسعودی اختلط بأخر عمره ولم یتمیز حدیثه الاول من الآخر، فاستحق التکرک كما قاله ابن حبان. (ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۹۴) "رجال نقل کننده این روایت مورد وثوق‌اند مگر مسعودی که در پایان عمرش دچار خلط شد به گونه‌ای که حدیث نخست خود را از حدیث بعدی‌اش تشخیص نمی‌داد بنابراین چنان که ابن حبان نیز گفته سزاوار است حدیث او ترک شود."

در مورد صورت دوم نیز باید گفت: این عبارت را شمار کمتری از محدثان (نسبت به صورت نخست) نقل کرده‌اند و در همین مقدار نقل نیز برخی اشکال سندی کرده‌اند، از جمله هیثمی که پس از نقل صورت دوم از بریده می‌نویسد: این حدیث را احمد (بن حنبل) با سندی نقل کرده که در آن ابوداود اعمی قرار دارد و این راوی، ضعیف است. (هیثمی، ج ۲، ص ۱۴۴)

بنابراین باید مهم‌ترین صورت را صورت نخست دانست که شمار فراوانی از محدثان با سندهای متعدد آن را گزارش نموده‌اند و کسی هم در سند و مدلول آن مناقشه ننموده است.

ب- شیعه و ذکر صلوات

۱- جایگاه

نیاز به توضیح نیست که ذکر صلوات بر پیامبر ﷺ و آل او علیهم‌السلام از نگاه شیعه، از اهمیت بسیار بالا و جایگاهی بی‌بدیل برخوردار است و تردیدی در تواتر روایات آن نیست. در ذیل به سه نمونه از این روایات که شیخ کلینی با سند صحیح نقل نموده است، بسنده می‌کنیم.

ابوبصیر می‌گوید: امام صادق علیه‌السلام فرمود: اذا ذکر النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فاکثروا الصلاة علیه، فانه من

صَلَّى عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَلَاةً وَاحِدَةً صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ فِي الْفِ صَفِّ مِنَ الْمَلَائِكَةِ، وَلَمْ يَبْقَ شَيْءٌ مِمَّا خَلَقَهُ اللهُ إِلَّا صَلَّى عَلَى الْعَبْدِ لَصَلَاةِ اللهِ عَلَيْهِ وَصَلَاةِ مَلَائِكَتِهِ. فَمَنْ لَمْ يَرْغَبْ فِي هَذَا فَهُوَ جَاهِلٌ مَغْرُورٌ، قَدْ بَرَىءَ اللهُ مِنْهُ وَرَسُولُهُ وَاهْلُ بَيْتِهِ. (کلبینی، ج ۲، ص ۴۹۲)

"هرگاه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یادشود، بر او درود فراوان فرستید، زیرا هرکس بر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یک درود فرستد، خداوند بر او هزار درود در هزار صف از فرشتگان فرستد. و هیچ یک از آفریدگان خدا باقی نمی ماند، مگر این که بر او درود فرستد، چون خدا و فرشتگان او بر وی درود فرستاده اند. پس هرکس به این ذکر بی رغبتی کند، نادان و فریب خورده است و خدا و پیامبر و خاندانش از او بیزار هستند."

هشام بن سالم نیز می گوید، امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: لا يزال الدعاء محجوبا حتى يصلّي على محمد و آل محمد. (همان، ص ۴۹۱) "دعا پیوسته در حجاب است (و به اجابت نمی رسد) تا این که بر محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و خاندان او درود فرستاده شود."

و براساس نقل عبدالله بن سنان، آن حضرت فرمود: الصلاة على اهل بيتي تذهب بالنفاق. (همان، ص ۴۹۲) "درود فرستادن بر من و خاندانم نفاق را از بین می برد."

۲- حکم

از نظر فقهای شیعه، ذکر صلوات در تشهد نماز واجب است و می توان این حکم را مورد اتفاق ایشان دانست. صاحب جواهر می نویسد: "من در این مورد به کسی که به طور مسلم مخالفت کرده باشد برنخوردم، بلکه صاحبان غنیه، تذکره، منتهی، ذکری و کنز العرفان در این باره ادعای اجماع کرده اند." (نجفی، ج ۱۰، ص ۲۵۳)

وی می افزاید: "در این زمینه تنها از شیخ صدوق و والدش و ابن جنید، نقل مخالفت شده"

سپس به این نکته اشاره می کند که با درنگ بیشتر در مواضع این سه تن، روشن می شود ایشان مخالف حکم مزبور محسوب نمی شوند و عبارت های ایشان قابل توجیه

است. برای مثال، اگر شیخ صدوق در برخی آثار خود گفته است "یجزی فی التشهد الشهادتان" (الامالی، ص ۶۴۴) و سخنی از ذکر صلوات به میان نیاورده، این به سبب معروف بودن ذکر صلوات بر پیامبر ﷺ پس از آمدن نام آن حضرت در شهادتین است. (نجفی، ج ۱۰، ص ۲۵۳) به هرحال سزاوار نیست در وجوب این ذکر در تشهد نماز، از نگاه شیعه تردید روا داشت، زیرا از پشتوانه روایی کافی برخوردار است، برای نمونه شیخ صدوق از امام صادق ع نقل می‌کند:

ان الصلاة علی النبی ص من تمام الصلاة ... و من صلی و لم یصل علی النبی و ترک ذلک متعمدا فلا صلاة له. (من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۳) "درود فرستادن بر پیامبر ص تمام کننده نماز است... هرکس نماز بگذارد ولی بر آن حضرت درود نفرستد و این کار را از روی عمد ترک نماید، نمازی برای او نیست."

نیز از آن حضرت نقل می‌کند: اذا صلی احدکم و لم یذكر النبی ص فی صلاته سلک بصلاته غیر سبیل الجنة. (ثواب الاعمال، ص ۲۰۶، نیز نک: برقی، ج ۱، ص ۹۵) "هرگاه یکی از شما نماز بگذارد، ولی در نماز خود از پیامبر ص یاد نکند، با نماز خود راهی غیر از راه بهشت پیموده است."

آن چه گذشت، در مورد حکم این ذکر در حال نماز بود. اما چنان چه کسی در غیر این حال، نام پیامبر ص را به زبان آورد یا آن را از زبان دیگری بشنود، براساس فتوای مشهور در میان فقهای شیعه، مستحب موکد است بر آن حضرت درود فرستد.

در این میان، صاحب حدائق، قائل به وجوب شده. (بحرانی، ج ۸، ص ۴۶۲) و همین قول را به ابن بابویه و صاحب کنز العرفان نیز نسبت داده است. (همان، ص ۴۳۹)

مستند این قول نیز، برخی روایات از پیامبر اکرم ص است، برای نمونه:

- البخیل حقاً من ذکرت عنده فلم یصل علی. (صدوق، معانی الاخبار، ص ۲۴۶) "به حق، بخیل کسی است که نام من نزد او برده شود و بر من صلوات نفرستد."

- البخیل کل البخیل الذی اذا ذکرته عنده لم یصل علیّ. (مفید، ج ۲، ص ۱۶۹) "بخیل کامل کسی است که هرگاه پیش او نام من برده شود بر من درود نفرستد."

- اجفی الناس رجل ذکرته بین یدیه فلم یصل علیّ. (ابن فهد، ص ۴۱) "ستمکارترین مردم کسی است که در حضور او از من یاد شود ولی بر من درود نفرستد."

و مانند روایت ذیل از امام صادق ع: الصلاة علی النبی ص واجبة فی کل موطن و عند العتاس و الذبائح و غیر ذلك. (حرّ عاملی، ج ۷، ص ۲۰۳) "درود فرستادن بر پیامبر ص در هر جایی (از جمله) هنگام عطسه نمودن و سر بریدن حیوانات و غیر این موارد واجب است."

صاحب جواهر پس از خدشه بر دلالت این روایات بر وجوب، به این نکته تصریح می‌کند که آنان که با لسان شرع و رموز آن آشنایی دارند، می‌دانند که از این روایات چیزی جز استحباب استفاده نمی‌شود. افزون بر این، وی به اموری مانند اصل (برائت از وجوب)، اجماع و سیره قطعیه نیز تمسک می‌کند. (نجفی، ج ۱۰، ص ۲۵۹)

ممکن است گفته شود برخی روایات مانند روایت اخیر به صراحت، سخن از وجوب به میان آورده، ولی باید گفت به کارگیری این گونه تعبیرات از سوی ائمه ع در اموری که واجب نبودن آنها قطعی است و در زمره مستحب‌های موکّد محسوب می‌شوند، امری است رایج. برای نمونه از امام صادق ع نقل است: "سجدة الشکر واجبة علی کل مسلم." (صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۳۳)

نیز از آن حضرت نقل است: "العقیقة واجبة" (کلینی، ج ۶، ص ۲۵)

۳- چگونگی ذکر صلوات در منابع شیعه

چنان که می‌دانیم، عبارتی که شیعه به عنوان ذکر صلوات در حال نماز و غیر حال نماز به کار می‌برد، جمله معروف "اللهم صلّ علی محمد و آل محمد" است. به گفته صاحب جواهر، برخی از فقها وجوب بر زبان آوردن این عبارت در تشهد را مشهور

دانسته، بلکه برخی، اجماعی بودن آن را گمان کرده‌اند. (نجفی، ج ۱۰، ص ۲۶۲)

بی‌تردید گفتن این عبارت جهت ادای تکلیف، اعم از وجوبی یا استحبابی، کفایت می‌کند. ولی در این زمینه مباحثی وجود دارد که طرح آن‌ها به روشن‌تر شدن موضوع و رفع برخی ابهامات کمک می‌کند.

از جمله این که آیا انجام تکلیف، متعین در ادای این عبارت است. و یا با گفتن جملات مشابهی که در بردارنده همین مضمون باشد نیز تکلیف انجام می‌شود؟ می‌توان از مجموع روایات و سخنان فقها به وجه دوم دست یافت.

براساس نقل شیخ صدوق، آن گاه که از چگونگی درود فرستادن بر پیامبر ﷺ سوال شد، حضرت فرمود می‌گویید: صلوات الله و صلوات ملائکته و انبیائه و رسله و جمیع خلقه علی محمد و آل محمد و السلام علیه وعلیهم و رحمة الله و برکاته. (معانی الاخبار، ص ۲۶۳)

این درحالی است که به یقین می‌دانیم، می‌توان درود فرستادن بر آن حضرت را در قالب همان عبارت مشهور نیز انجام داد. به دیگر سخن، این جمله تنها در قالب یک مثال، آن هم با عبارتی کوتاه ارزیابی می‌شود. چنان که صاحب جواهر نیز پس از پاره‌ای مباحث می‌نویسد: من ذلک کله یعلم حیثئذ ان ما ورد فی النصوص من اللفظ المخصوص علی جهة المثال. (نجفی، ج ۱۰، ص ۲۶۳) "از همه آن چه گفتیم دانسته می‌شود لفظ ویژه‌ای که در نصوص آمده (صرفاً) از باب مثال است."

وی در جایی دیگر می‌نویسد: لا ریب فی أنَّ الاقوی اجزاء مطلق مسمى الصلاة علی النبی ﷺ و ان کان الاحوط الاقتصار علی اللفظ المخصوص. (همان، ص ۲۶۴) "شکی نیست در این که فتوا، کفایت نمودن هرگونه عبارتی است که بتوان آن را درود فرستادن بر پیامبر ﷺ نامید، هر چند احتیاط (مستحب) آن است که بر همان لفظ مخصوص بسنده شود."

وی هم چنین از علامه حلی نقل می‌کند که گفته است: اگر شخص بگوید: صلی الله

علی محمد و آله یا صلی الله علیه و آله یا صلی الله علی رسوله و آله، کفایت می‌کند چون با همه این عبارتها، مقصود حاصل است. (همان)

بحث مهمّ دیگر آن که آیا لازم است در این ذکر، آل و خاندان پیامبر ﷺ نیز همراه با پیامبر ﷺ آورده شود یا تنها درود فرستادن بر آن حضرت کفایت می‌کند؟

ظاهر بدوی برخی روایات، احتمال دوم است. (نک: کلینی، ج ۱، ص ۴۵۱، ج ۳، ص ۳۰۳ و ۳۴۱، ج ۴، ص ۳۳۱، صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۱۸، طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۶۵، ج ۴، ص ۲۳۱، ج ۵، ص ۷۷) ولی چنان که گفتیم این ظهور، بدوی است و تنها در مقام بیان اهمیت اصل این ذکر و با قطع نظر از نکات الحاقی آن است، چرا که بر اساس مدلول صریح بسیاری از روایات، تردیدی در ضرورت آوردن آل پیامبر ﷺ پس از نام آن حضرت نیست. صاحب جواهر می‌نویسد: نصوصنا مستفیضة فی ذلک. (نجفی، ج ۱۰، ص ۲۶۲)

آن چه در ذیل می‌آید نمونه‌های اندکی از این روایات است:

صدوق به اسناد خود از ابان بن تغلب از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: من صلی علیّ و لم یصلّ علیّ لم یجد ریح الجنّه و ان ریحها لتوجد من مسیره خمسماًة عام. (الامالی، ص ۲۰۰، نیز نک: مجلسی، ج ۹۱، ص ۵۶، فتال نیشابوری، ج ۲، ص ۳۲۳) "هرکس بر من درود فرستد و بر خاندانم درود نفرستد، بوی بهشت را نمی‌یابد و این در حالی است که بوی بهشت از مسیر پانصد سال به مشام می‌رسد."

نیز شیخ صدوق از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: اذا صلی علیّ ولم یتبع الصلاة علی اهل بیتی کان بینها و بین السماوات سبعون حجاباً و یقول الله تبارک و تعالی: لا لیبک و لا سعدیکه یا ملائکتی لا تصعدوا دعائه الا ان یلحق بالنبی صلی الله علیه و آله و سلم عترته، فلا یزال محجوباً حتی یلحق به اهل بیتی. (الامالی، ص ۵۸۰، ثواب الاعمال، ص ۱۵۷، شعیری، ص ۶۳، نیز نک: حرّ عاملی، ج ۷، ص ۲۰۴، مجلسی، ج ۹۱، ص ۵۶)

"هرگاه شخصی بر من درود فرستد ولی به دنبال آن، بر خاندانم درود نفرستد، میان او و آسمان‌ها هفتاد حجاب خواهد بود و خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: لا لیبک و لا

سعدیکه ای فرشتگانم! دعای او را بالا نبرید تا این که خاندان پیامبر ﷺ را به او ملحق سازد، او پیوسته محبوب خواهد بود تا این که اهل بیتم را به من ملحق سازد.

شیخ کلینی نیز با سند خود از ابن قدامح از امام صادق ع نقل می کند که فرمود: سمع ابی رجلا متعلقا بالبیت و هو یقول: اللهم صل علی محمد. فقال له ابی: یا عبدالله! لا تبترها لا تظلمنا حقنا، قل: اللهم صل علی محمد واهل بیه. (ج ۲، ص ۴۹۵، نیز نک: ابن فهد، ص ۱۶۲، حرّ عاملی، ج ۷، ص ۲۰۲)

پدرم شنید درحالی که مردی به خانه خدا آویخته بود، می گفت: اللهم صل علی محمد، به او فرمود: ای بنده خدا! صلوات را ابتر انجام نده، درمورد حق ما ستم نکن. بگو: اللهم صل علی محمد و اهل بیه.

در روایتی دیگر از پیامبر اسلام ص آمده است: لا تصلوا علیّ صلاة مبتورة، بل صلوا الی اهل بیتی و لا تقطعوه، فان کل نسب و سبب یوم القیامه منقطع الا نسبی (حرّ عاملی، ج ۷، ص ۲۰۷، مجلسی، ج ۵، ص ۲۰۸) "بر من صلوات بی دنباله نفرستید، بلکه به اهل بیتم (نیز) درود فرستید و آن را قطع ننمایید، زیرا روز قیامت هر پیوند نسبی و سببی بریده خواهد بود مگر پیوند نسبی من."^۱

۱. شبهه‌ای که ممکن است در این جا طرح شود آن که به موجب آیه "یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه وسلموا تسلیما" (احزاب/۵۶)، تنها به صلوات فرستادن بر پیامبر ص فرمان داده شده و نه در این آیه و نه در هیچ آیه دیگر، برای درود فرستادن بر خاندان پیامبر ص فرمانی صادر نگردیده است.

به نظر می رسد بهترین پاسخ به این شبهه، سخنی است که از امام رضا ع طی گفت وگویی که بین ایشان و مامون عباسی رخ داده، نقل گردیده، حاصل این گفت و شنود که آن را شیخ صدوق به تفصیل گزارش می کند چنین است:

مامون خطاب به حضرت می گوید: در مورد صلوات بر پیامبر اختلافی نیست و در این زمینه اجماع امت، تحقق یافته است، آیا درباره صلوات بر آل، دلیل روشنی از قرآن دارید؟

حضرت فرمود: بله، به من بگویید مقصود از "یس" در آیه یس "والقرآن الحکیم انک لمن المرسلین" (یس/۱ و ۲) چیست؟ علمای حاضر در مجلس گفتند: بی تردید مقصود از آن پیامبر ص است. حضرت فرمود: پس مقصود از "آل یس" آنجا که خداوند می فرماید سلام علی آل یس (صافات/۱۳۰) خاندان پیامبر ص خواهد بود. افزون بر آن خداوند در شماری از آیات به برخی از پیامبران، سلام داده، برای مثال فرموده: سلام علی نوح فی العالمین (صافات/۷۹) سلام علی ابراهیم (صافات/۱۰۹) سلام علی موسی و هرون (صافات/۱۲۰) و فرموده سلام علی آل نوح، سلام علی آل ابراهیم، سلام علی آل موسی و هرون و حال آنکه خداوند بر خاندان این پیامبران نیز درود فرستاده زیرا می گوییم: "کما صلیت علی ابراهیم و آل ابراهیم"

بحث قابل طرح دیگر در پیوند با چگونگی ذکر صلوات، آن است که آیا اعاده حرف "علی" بر سر کلمه "آل" چنان که در تعبیرات برادران اهل سنت رایج است حکمش چیست؟ گاه در این باره، شاهد برخی تعصبات هستیم و با این کار، به شدت مخالفت می‌شود و حتی به منظور مردود شمردن چنین تعبیری به حدیثی از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله تمسک می‌شود که بر اساس آن حضرت فرمود: من فصل بینی و بین آلی لم تنله شفاعتی. "هرکس میان من و آل فاصله بیندازد، شفاعتم به او نخواهد رسید."

حال آن که شایسته است با پرهیز از این گونه اختلافات لفظی و جزئی، با هر دو تعبیر رایج در میان شیعه و سنی کنار آمد.

محقق معاصر، محمد جواد مغنیه در تاکید بر همین مهم می‌نویسد:

"ما هیچ فرقی میان عبارت اللهم صل علی محمد و آل محمد و عبارت اللهم صل علی محمد و علی آل محمد نمی‌بینیم."

در مورد حدیث مزبور نیز می‌نویسد: "الله اعلم بصحته" (مغنیه، ج ۶، ص ۲۳۷)

از نظر نگارنده نه تنها صحت این حدیث، بلکه اصل وجودش قابل درنگ و تامل است، زیرا با تفحص فراوانی که با بهره‌گیری از امکانات نرم افزاری در همه منابع حدیثی شیعه انجام شد، اثری از این حدیث یافت نگردید.

بر فرض وجود و صحت سند این حدیث، مدلول آن نیز قابل درنگ است، زیرا معلوم نیست مقصود حضرت از فاصله انداختن میان او و آلش، آوردن حرف "علی" بر سر کلمه "آل" باشد، زیرا احتمالات دیگر نیز متصور است، مانند جدایی انداختن بین حضرت و خاندانش در احترام و تکریم یا در معصوم دانستن ایشان یا در مساله ولایت و اموری از این قبیل.

و از این جا دانسته می‌شود که صلوات فرستادن بر آل محمد صلی الله علیه و آله نیز مطلوب و مورد نظر است. (ر.ک: عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۳۶، نیز ر.ک: تفسیر صافی، ج ۲، ص ۳۶۵)

پس بهتر است از یک سو، مشهورترین و پرنقل‌ترین صورت صلوات در میان اهل سنت را - که مذکور گردید - مد نظر قرار دهیم و از سوی دیگر بر حذف حرف "علی" بر سر کلمه "آل" جمود نورزیم و الفاظ ما زاد بر صلوات بر پیامبر ﷺ و خاندانش را از مستحبات و قابل حذف بدانیم، با این فرض‌ها می‌توان گفت عبارت "اللهم صلّ علی محمد و آل محمد" اعم از این که همراه با حرف "علی" بر سر کلمه "آل" باشد یا خیر، عبارتی است مشترک میان فریقین، و می‌توان این ذکر نورانی و پر استعمال را وسیله‌ای ارزشمند در راستای وحدت امت اسلامی قرار داد.

جالب این که در منابع اهل سنت نیز، گاه ذکر صلوات، عیناً با همان عبارت رایج در میان شیعه نقل گردیده. برای نمونه از کعب بن عجره نقل کرده‌اند که هنگام نزول آیه ۵۶ سوره احزاب به پیامبر ﷺ عرض شد: چگونه بر شما صلوات بفرستیم؟ فرمود بگوئید: اللهم صلّ علی محمد و آل محمد ... (ابو داود، ج ۱، ص ۲۲۱)

مازاد بر عبارت فوق، عباراتی مانند: "کما صلیت علی ابراهیم و آل ابراهیم" و "کما بارکت علی ابراهیم و آل ابراهیم" گفتن آن‌ها مستحب و غیر دخیل در تحقق اصل صلوات است، چنان که صاحب جواهر می‌نویسد:

الظاهر عدم مدخلية الزیادات فی کیفیت اصل الصلاة بل هی مستحب فی مستحب. (نجفی، ج ۱۰، ص ۲۶۴) "ظاهر (روایات) آن است که الفاظ مازاد، دخالتی در چگونگی اصل صلوات ندارد بلکه آن‌ها مستحب در مستحب می‌باشند."

وی به نقل از علامه حلّی نیز می‌نویسد: المجزی من الصلاة: اللهم صلّ علی محمد و آل محمد و مازاد مستحب بلاخلاف. (همان، ص ۲۶۳) "در درود فرستادن (بر پیامبر ﷺ) عبارت اللهم صلّ علی محمد و آل محمد کفایت می‌کند و مازاد بر آن، بدون اختلاف در میان فقهاء، مستحب است."

نتیجه‌گیری

روایات اهل سنت و شیعه و نیز سخنان فقهای فریقین، حاکی از جایگاه رفیع ذکر صلوات بر پیامبر ﷺ و اهل بیت او است. از نظر فقهای شیعه، ادای این ذکر در تشهد نماز واجب است و به حسب ظاهر می‌توان فقهای اهل سنت یا بیشتر آنان را نیز همراه با این دیدگاه دانست.

در مورد چگونگی ذکر صلوات، تفاوت‌هایی در روایات اهل سنت به چشم می‌خورد. ولی می‌توان قدر مشترک میان آنها را عبارت "اللهم صلّ علی محمد و علی آل محمد" دانست، زیرا این مضمون، در همه عبارتهای منقول در روایات آنان به چشم می‌خورد. از سوی دیگر دلیلی بر لزوم آوردن حرف "علی" بر سر کلمه "آل" وجود ندارد. به دیگر سخن، با گفتن این عبارت، تکلیف اعم از وجوبی یا استحبابی ادا می‌گردد و بدین ترتیب نوعی قرابت و همگرایی بین شیعه و اهل سنت حاصل می‌شود.

البته شیعیان، بر لزوم الحاق آل پیامبر ﷺ به آن حضرت و به تعبیر دیگر بر مردود بودن صلوات مبتوره، تاکید و اهتمام فراوان دارند، ولی محدثان و عالمان اهل سنت در این باره، اهتمام چندانی نشان نمی‌دهند و شایسته است عالمان اهل سنت، در این مورد درنگ بیشتر کنند و در صورتی که جوامع حدیثی آنان متعرض این امر نشده، با تکیه بر راویان مورد وثوق شیعه، این نقیصه را برطرف نمایند.

منابع

قرآن کریم

- ۱- ابن ابی شیبۀ کوفی، المصنف، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ق.
- ۲- ابن بطریق، خصائص الوری المبین، قم، دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۷ق.
- ۳- ابن حنبل، احمد، المسند، بیروت، دارصادر، بی تا.
- ۴- ابن فهد، عدة الداعی، تهران، دارالکتب الاسلامی، ۱۴۰۷ق
- ۵- ابن ماجه، محمد، السنن، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- ۶- ابوداود، سلیمان بن اشعث، السنن. بیروت، دارالفکر، بی تا.
- ۷- بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه، بی تا.
- ۸- بخاری، محمد بن اسماعیل، الصحیح، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
- ۹- _____، الادب المفرد، تحقیق فؤاد عبدالباقی، مؤسسه الکتب الثقافیه، بی تا.
- ۱۰- برقی، محمدبن خالد، المحاسن، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ق.
- ۱۱- بکری دمیاطی، اعانة الطالبین، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۸ق.
- ۱۲- بیهقی، احمدبن حسین، السنن الکبری، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- ۱۳- ترمذی، محمدبن عیسی، السنن، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۳ق
- ۱۴- جهضمی، اسماعیل بن اسحاق، فضل الصلاة علی النبی ﷺ، بیروت، المکتب الاسلامی، ۱۳۷۹ق.
- ۱۵- حاکم نیشابوری، مستدرک الصحیحین، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۳ق.
- ۱۶- حرّ عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، قم، موسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.
- ۱۷- دارمی، عبدالله بن بهرام، السنن، دمشق، مطبعة الاعتدال، بی تا.
- ۱۸- دیلمی، حسن بن ابی الحسن، اعلام الدین، قم، موسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ق.
- ۱۹- زرندی، محمد بن یوسف، نظم درالسمطین، مکتبه المیرالمؤمنین علیهم السلام، ۱۳۷۷ق.
- ۲۰- شافعی، محمد بن ادريس، المسند، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.
- ۲۱- شعیری، تاج الدین، جامع الاخبار، قم، انتشارات شریف رضی، ۱۳۶۵ش.
- ۲۲- صدوق، محمدبن علی، الامالی، تهران، انتشارات کتابخانه اسلامیه، ۱۳۶۲ش.
- ۲۳- _____، ثواب الاعمال، قم، انتشارات شریف رضی، ۱۳۶۴ش.
- ۲۴- _____، عیون اخبار الرضا علیهم السلام، تهران انتشارات جهان، ۱۳۷۸ق.
- ۲۵- _____، معانی الاخبار، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۶۱ش.
- ۲۶- _____، من لا یحضره الفقیه، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۳ق.
- ۲۷- طوسی، محمدبن حسن، الامالی، قم، دارالثقافه، ۱۴۱۴ق.

- ۲۸- _____، تهذيب الاحكام، تهران، دارالکتب العلميه، ۱۳۶۵ش.
- ۲۹- عسقلانی، ابن حجر، فتح الباری بشرح البخاری، بیروت، دارالمعرفة للطباعة والنشر، بی تا.
- ۳۰- فُتال نیشابوری، محمد بن حسن، روضة الواغطين، قم، انتشارات شریف رضی، بی تا.
- ۳۱- فیض کاشانی ملّامحسن، تفسیر صافی، تهران، المكتبة الاسلاميه، ۱۳۶۲ش.
- ۳۲- قاضی نعمان مغربی، شرح الاخبار في فضائل الائمة الاطهار، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه، بی تا.
- ۳۳- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.
- ۳۴- مبارکفوری، محمد عبدالرحمن، تحفة الاحوذی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ق.
- ۳۵- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.
- ۳۶- مغنیه، محمد جواد، التفسیر الکاشف، تهران، دارالکتاب، ۱۴۲۴ق.
- ۳۷- مفید، محمد بن نعمان، الارشاد، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- ۳۸- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ش.
- ۳۹- نسایی، احمد بن شعيب، السنن، بیروت، دارالفکر، ۱۳۴۸ق.
- ۴۰- نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام، ۱۴۰۸ق.
- ۴۱- نووی، محیی الدین، شرح صحیح مسلم، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ق.
- ۴۲- هیثمی، نورالدین، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ق.